

Model of Factors Facilitating Critical Thinking Training in the Holy Qur'an Based on the Qur'anic Stories

Ali Shahpari¹

Hadi Salehi²

Keyvan Salehi³

Muhammad Ali Amirtaqavi⁴

Abstract

Training critical thinking and acting on it is the most important human competence for self-development and the elevation of a society that is God-like, truth-oriented and guiding to the Almighty God, and it is known as one of the indicators for measuring the learning capacities of learners. But despite this importance, it has been widely neglected in the educational system. The Qur'an is the last evident miracle and a literary and artistic masterpiece, and has expressed part of its life doctrines and moral and educational principles with the language of literature and art and using the story format for of all the people with any level of consciousness to understand. Many researches have come to the conclusion that the storytelling method, in particular the Qur'anic storytelling, has special effects on the development of thinking. In this study, an attempt was made through a regular review while examining various sources, to identify and represent the facilitating components in the development of critical thinking in the Qur'an, especially the Qur'anic stories and the techniques used in them. In fact, the study was conducted using the descriptive-documentary method and the analysis based on the qualitative content analysis strategy of Al Zayed (1996) and after analyzing the data of the documents, five components including educational-research, assessment, personality, moral-educational and technical-specialized factors, sixteen criteria and one hundred and seventy-five indicators were identified and represented, and finally the respected model was presented.

Keywords: critical thinking, the Qur'an, stories, model, facilitating components.

1. Ph.D. Student of English Language Teaching, English Department, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

2. (Corresponding Author) Assistant Professor, English Language Teaching, English Department, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

3. Associate Professor, Division of Research and Assessment, Faculty of Psychology and Education, University of Tehran.

4. Assistant Professor, Department of Education, Amin Police University, Tehran.



مدل عوامل تسهیل‌گر پرورش تفکر نقادانه در قرآن کریم مبتنی بر قصص قرآنی*

علی شاهپری^۱

هادی صالحی^۲

کیوان صالحی^۳

محمدعلی امیر تقوی^۴

چکیده:

پرورش تفکر نقادانه و عاملیت به آن، مهم‌ترین شایستگی انسان برای توسعه خود و تعالی جامعه خداگونه، حقیقت‌گرا و رهنمون به حق تعالی است و از نشانگرهای سنجش ظرفیت‌های یادگیری فراگیران شناخته شده است. اما با وجود این اهمیت، به‌طور گسترده در سیستم آموزشی مورد غفلت قرار گرفته است. قرآن، آخرین معجزه مشهود و شاهکار ادبی و هنری است و برای درک همه انسان‌ها با هر سطح آگاهی، بخشی از معارف زندگی و اصول اخلاقی و تربیتی خود را با زبان ادب و هنر و با استفاده از قالب قصه بیان کرده است. بسیاری از پژوهش‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که روش قصه‌گویی و به‌ویژه قصه‌گویی قرآنی، تأثیرات ویژه‌ای در رشد تفکر دارد. در این مطالعه تلاش شد تا با مرور منظم، ضمن بررسی منابع مختلف، مؤلفه‌های تسهیل‌گر در رشد تفکر انتقادی در قرآن و به‌ویژه قصه‌های قرآنی و فنون مورد استفاده در آن شناسایی و بازنمایی گردد. به‌واقع مطالعه با استفاده از روش توصیفی-اسنادی و تحلیل مبتنی بر راهبرد تحلیل محتوای کیفی الزاید (۱۹۹۶) انجام شد و پس از تحلیل داده‌های اسناد، پنج مؤلفه شامل عوامل آموزشی-پژوهشی، سنجشگری، شخصیتی، اخلاقی-تربیتی و فنی-تخصصی، شانزده ملاک و یکصد و هفتاد و پنج نشانگر شناسایی و بازنمایی و در نهایت مدل مربوط ارائه گردید.

کلیدواژه‌ها:

تفکر نقادانه (انتقادی)، قرآن، قصص، مدل، مؤلفه‌های تسهیل‌گر.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۲۱، تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۰۳/۲۲.

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22081/jqr.2023.66168.3721

۱- دانشجوی دکتری آموزش زبان انگلیسی، گروه زبان انگلیسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد،

li.shahpari2014@gmail.com

ایران

۲- استادیار آموزش زبان انگلیسی، گروه زبان انگلیسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران

hadisalehi@phu.iaun.ac.ir

(نویسنده مسؤول)

۳- دانشیار بخش تخصصی پژوهش و سنجش، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

keyvansalehi@ut.ac.ir

۴- استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران amirtaghavi.m@gmail.com

طرح مسأله

تفکر نقادانه (انتقادی)، آینه تفکر ماست. تفکر نقاد به ما می‌آموزد چه ادعایی را باور کنیم و چه ادعایی را باور نکنیم، صرف نظر از اینکه آن ادعا متعلق به دیگران باشد یا خودمان؛ منتها آگاهانه و نه ناخودآگاه، منطقی و نه احساسی، نظام‌مند و از طریق داشتن دست کم یک الگو و نه نامرتب و نامنظم. تفکر نقاد تفکری ضروری است که یادگیری آن ضرورت دارد. شاید بتوان از طریق روشن کردن سطوح یادگیری و تفکر، مفهوم تفکر نقاد را راحت‌تر بیان کرد. عموماً اهداف یادگیری در حیطه شناختی به شش سطح^۱ تقسیم می‌شود و تفکر نقاد، جزء سطوح بالاست؛ بالاتر از آنچه رایج است. تفکر نقاد بیشتر مهارت تجزیه و تحلیل و ارزیابی است. چرا اساساً تفکر سطح بالا مهم است؟ چون مقدمه تصمیم است. (پل، ۱۳۹۹: ۴۵۱) از مجموع مباحثی که دانشمندان در مورد تفکر نقادانه بیان کرده‌اند، می‌توان عناصر مشترکی را برای تفکر انتقادی برشمرد. این عناصر عبارت‌اند از: ۱- شناخت پیش‌فرض‌ها، ۲- ارزیابی، ۳- نتیجه‌گیری (استنتاج)، ۴- استنباط، ۵- قضاوت. (توکلی، ۱۳۹۷: ۴۴)

همین بس که بگویم تفکر، راهی برای حرکت به سوی خودشکوفایی در هر انسانی است. با این حال، تفکر نقادانه، به‌طور گسترده‌ای در سیستم آموزشی نادیده گرفته شده است. (Kennedy, 1991; Paul, 1993; Nickerson, 1987) به عبارت دیگر، بیشتر مربیان، به‌جای آموزش تکنیک‌هایی برای تفکر، به‌گونه‌ای که افراد به یادگیرندگانی مستقلی تبدیل شوند، بر انتقال دانش تثبیت‌شده سابق یا موضوع محتوا تمرکز می‌کنند. (Fahim & Eslamdoost, 2014: 142)

باوجود فراوانی تحقیقات در سایر کشورها در زمینه تفکر انتقادی، تحقیقات کمی در ایران انجام شده است. تفکر نقادانه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مهارت‌های تفکر و شاخص‌های توانایی یادگیری دانش‌آموزان شناخته شده است. به‌منظور پرورش متفکران نقاد موفق، تفکر نقادانه باید در محتوای برنامه درسی و رویکردهای آموزشی در تمامی سطوح تحصیلاتی قرار گیرد. تفکر نقادانه یکی از موضوعات مهم آموزش و پرورش است؛ زیرا ابزاری ضروری برای تحقیق و بررسی در راستای حل مشکلات و نیز تصمیم‌گیری درست است. (Simpson & Courtney, 2002: 92) از طریق به‌کارگیری تفکر نقادانه در یادگیری و تمرین اجتماعی، دانش‌آموزان می‌توانند ذهن‌پویا و خلاق‌تری در به‌کارگیری بهترین تکنیک‌های یادگیری و نیز حل مسأله پیدا کنند. تفکر نقادانه مستلزم



مشارکت فعال فرد در فرآیند تأملی و بینشی و فراتر رفتن از بازخوانی مکانیکی اطلاعاتی است که در بسیاری از کلاس‌های درس، دیده شده است. (Dlamini, 1999)

قرآن کریم همواره با تقلیدهای کورکورانه و مواضع منفعلانه مخالفت کرده و نقش مهارت تفکر را در زندگی انسان، «بصیرت» خوانده و صاحبان آن را «اولوا الابصار» (مردان آینده‌نگر) معرفی می‌کند. تحلیل داستان انبیا در قرآن کریم به‌عنوان صحنه عملی برخورد حق و شر، می‌تواند مبانی تفکر نقادانه و در مقابل، عوامل تفکر غیرنقادانه را متجلی کند. (کاظمی، ۱۳۹۳: ۲۱-۲۳) در واقع تفکر قرآنی همان تفکر نقادانه است. تفکر یک ماهیت واحد دارد که وجهی از آن تفکر نقادانه است. بنابراین منطقی به نظر نمی‌آید که قرآن از طرفی، تفکر را به‌معنای عام آن مورد تأکید قرار دهد و از طرفی دیگر، روجه نقادانه آن را قبول نداشته باشد.

بنابراین تفکر (نقادانه یا خلاق) یک پدیده طبیعی در کنار سایر ویژگی‌های طبیعی انسان است. بدین منظور، اندیشه‌های قرآنی و سایر اندیشه‌های دینی، اندیشه‌های انتقادی و خلاقانه‌ای هستند که قصد دارند انسان کاملی بسازند. آموزه‌های آنها مبتنی بر فطرت انسانی است که تمام جنبه‌های وجودی انسان را دربر می‌گیرد. در نتیجه، آموزه‌های اسلامی در مقایسه با دیگر یافته‌های بشری در روان‌شناسی، بسیار عمیق‌تر و جهانی‌تر است. (عابدین نسب، ۱۳۹۵: ۲۶۴) بنابراین پژوهش حاضر تلاشی نوین برای کشف روش‌های پرورش تفکر انتقادی از طریق شناسایی و بازنمایی مؤلفه‌های تسهیل‌گر در رشد تفکر انتقادی و ارائه مدل قرآنی مربوط است. از این رو سعی شد با مروری منظم، ضمن بررسی مقالات و منابع مختلف، مؤلفه‌های تسهیل‌گر در پرورش تفکر انتقادی در داستان‌های قرآنی و فنون به‌کار رفته در آنها شناسایی و بازنمایی شود و در نهایت، مدل قرآنی مربوط ارائه گردد.

پیشینه پژوهش

بسیاری از اندیشمندان، متفکران، فرهیختگان، فلاسفه و ... به مبحث تفکر و به‌ویژه تفکر نقادانه توجه داشته‌اند و در این خصوص به ارائه مطلب پرداخته‌اند، اما در این پژوهش اولاً بر اساس اسناد داخلی و خارجی، داده‌های تمام مطالعات تجمیع، سپس با کدگذاری داده‌ها به مقوله‌بندی آنها پرداخته شد و در نهایت به پنج مقوله اصلی (مؤلفه) در خصوص شناسایی و بازنمایی مؤلفه‌های تسهیل‌گر در رشد تفکر نقادانه فراگیران در آیات قرآن پرداخته شد. این ویژگی کار این پژوهش را از بقیه موارد متمایز می‌کند. از

ویژگی‌های ارزشمند دیگر این پژوهش تأکیدی است که بر بهره‌گیری از قصه‌های قرآن و فنون مورد استفاده در آن و در نهایت، طراحی مدل قرآنی مربوط داشته است.

روش تحقیق

در عصر حاضر به دلیل وجود حجم بسیار بالایی از اطلاعات، وجود تناقض میان نتایج مطالعات، وجود مطالعات ضعیف و از دست رفتن زمان و سرمایه برای بررسی کلیه مطالعات یک حوزه، استفاده از مطالعات مروری ضروری است. (یارمحمدیان و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۲۲۷) دلیل اصلی ضرورت انجام مطالعات مروری، سرعت روزافزون تولید دانش است. (سهرابی، ۱۳۹۲: ۵۲) حال این پرسش در ذهن ایجاد می‌شود که در مطالعات مروری چه کاری انجام می‌شود؟ در پاسخ به این پرسش باید گفت در مطالعات مروری، آخرین اطلاعات علمی در حیطه یک موضوع مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد. (HallGM, 2003؛ به نقل از ملبوس‌باف و عزیززی، ۱۳۸۹: ۲۰۴) به عبارتی، پژوهشگر در مطالعه مروری، با «مقوله‌بندی، یکپارچه‌سازی و ارزیابی» داده‌های پژوهش‌های پیشین، سیر پیشرفت پژوهش را در جهت روشن کردن مسأله مورد نظر دنبال می‌کند. (یارمحمدیان و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۲۲۸)

بنابراین پژوهش حاضر مطالعه‌ای مبتنی بر روش مرور سیستماتیک با هدف شناسایی و بازنمایی مؤلفه‌های تسهیل‌گر در رشد تفکر نقادانه فراگیران در قصص قرآن و فنون مورد استفاده در آن است. مرور پیشینه در پایگاه داده‌های داخلی در بازه زمانی ۱۴۰۱-۱۳۷۹، با کلیدواژه‌های «تفکر، تفکر نقادانه (انتقادی)، قصه، قصص قرآن» انجام شد که در نتیجه این جست‌وجو، تعداد ۵۰ سند در مرحله اول بازیابی شد. همچنین با جست‌وجو در پایگاه داده‌های بین‌المللی در بازه زمانی ۲۰۲۱-۱۹۹۰، با کلیدواژه‌های «Thinking, Critical Thinking, Quranic stories, Stories, component»، تعداد ۲۰ سند بازیابی شد. ملاک ورود هر سند، وجود کلیدواژه‌ها در عنوان یا واژگان کلیدی و یا در متن پژوهش بود. این ملاک به خاطر بررسی میزان ارتباط اسناد با موضوع مورد پژوهش است.

پس از حذف اسناد دارای ارتباط ضعیف با موضوع، اسناد غیر معتبر یا دارای ضعف اعتبار، اسناد حاوی داده‌های تکراری، سرقت علمی و ...، در نهایت از اسناد داخلی، ۲۷ سند، شامل ۲۲ مقاله و دو پایان‌نامه و ۳ کتاب و از اسناد بین‌المللی، سه سند، شامل دو مقاله و یک کتاب با ملاک اعتبار و ارتباط مستقیم با موضوع، برای مطالعه و تحلیل انتخاب شدند.



پژوهشگر برای مطالعه اسناد باقیمانده، ابتدا مطالعات را به ترتیب اهمیت و ارتباط با موضوع شناسایی، و بازنمایی مؤلفه‌های تسهیل‌گر در رشد تفکر نقادانه فراگیران در قرآن کریم و به‌ویژه قصه‌های قرآن و فنون مورد استفاده در آن را مرتب نمود و پس از آن برای تحلیل اسناد، از راهبرد تحلیل محتوای کیفی الزاید استفاده کرد. «این روش از مناسب‌ترین روش‌ها برای تحلیل اسناد مکتوب، به‌منظور تحلیل نظام‌مند محتوا و استخراج مفاهیم مورد نظر از اسناد مکتوب است.» (Wach & Ward, 2013؛ به نقل از حقوقی و صالحی، ۱۳۹۸: ۴۰) از این‌رو پژوهشگر ابتدا به ترتیب اهمیت و ارتباط اسناد (از بیشتر به کمتر)، شروع به مطالعه هدفمند کرد؛ یعنی حین مطالعه، تمرکز پژوهشگر روی نکات اصلی و فیش‌برداری از آنها بود که در نهایت، پژوهشگر فایلی از نکات و بخش‌های مهم و مورد نیاز هر پژوهش ایجاد نمود. در ضمن مطالعه، پژوهشگر به دلیل ارتباط زیاد با این موضوع، به‌نسبت متوجه نقاط ضعف و قوت هر کار می‌شد و آنها را یادداشت می‌نمود. (معتدیان، ۱۳۹۲: ۵) در نهایت پژوهشگر، داده‌های تمام مطالعات را تجمیع و سپس با کدگذاری داده‌ها، به مقوله‌بندی آنها پرداخت. به دلیل حجم بسیار زیاد داده‌ها، پژوهشگر در دو نوبت داده‌ها را خلاصه‌نویسی کرد و در هر نوبت، مطالب با مفاهیم تکراری را حذف نمود، سپس به گردآوری و طبقه‌بندی داده‌ها مطابق با مسأله پژوهش پرداخت. (حقوقی و صالحی، ۱۳۹۸: ۴۰) در نهایت پژوهشگر به پنج مقوله اصلی (مؤلفه) در خصوص شناسایی و بازنمایی مؤلفه‌های تسهیل‌گر در رشد تفکر نقادانه فراگیران در قصه‌های قرآن و فنون مورد استفاده در آن دست یافت.

یافته‌ها

در نهایت تحلیل داده‌های اسناد، به شناسایی پنج مؤلفه شامل عوامل آموزشی - پژوهشی، سنجش‌گری، شخصیتی، اخلاقی - تربیتی و فنی - تخصصی، ۱۶ ملاک و ۱۷۵ نشانگر منجر گردید. همچنین در انتها، تحلیل مختصری از یافته‌های این بخش ارائه خواهد شد. ضمناً به دلیل محدودیت کلمات در ارائه مقاله، در بخش پیوست مقاله، توضیحات مربوط به نشانگرها (همراه با تعاریف، ارائه مثال‌ها و نمونه‌ها) به‌طور کامل آمده است.

مؤلفه آموزشی و پژوهشی، شامل پنج ملاک مسأله‌پردازی، پرسشگری، استدلال، تعمق و اندیشه‌ورزی، خودسنجی و خوداصلاحی است. مؤلفه سنجشگری شامل سه ملاک واضح کردن و شفاف‌سازی همه‌جانبه موضوع «تفسیر (دسته‌بندی، رمزگشایی مفاهیم و شفاف‌سازی معانی)»، قضاوت و ارزیابی با معیار روشن و تجزیه و تحلیل است. مؤلفه

شخصیتی شامل دو ملاک بیرونی و درونی است. مؤلفه اخلاقی و تربیتی شامل دو ملاک رعایت ارزش‌های اخلاقی در بحث و گفت‌وگو و تقواست. مؤلفه فنی و تخصصی شامل چهار ملاک اصلی فنون داستان‌پردازی، سبک‌شناختی و خصیصه‌های زبانی، روایتگری و تصویرسازی و عناصر (۲۷ عنصر) آن است.

۱. مؤلفه آموزشی و پژوهشی

۱-۱. ملاک مسأله‌پردازی

ایجاد مسأله در ذهن توسط قوای وجودی انسان از سه راه حاصل می‌گردد: ۱- از راه سمع (شنیدن) (نوح: ۷؛ بقره: ۲۸۵)، ۲- بصر و عبرت‌گیری: عبرت به معنای انتقال و عبور از ظاهر به باطن و دوری از سطحی‌نگری جهت تحلیل، تفسیر و ارزیابی است (اعراف: ۱۷۹)، ۳- فؤاد (به قلب گفته می‌شود که به حالت خلوص و توجه رسیده باشد) که در صورت عملکرد صحیح فؤاد، انسان به مرحله تصدیق می‌رسد (احقاف: ۲۶). (کاظمی، ۱۳۹۳: ۳۰-۳۳) در ضمن انسان اهل تفکر، شنونده خوبی نیز هست. خوب شنیدن مقدمه‌ای برای تفکر است (بقره: ۱۷۱؛ انبیاء: ۴۵) (جوادی، ۱۳۹۰: ۹۰) و کسی که می‌اندیشد، مشاهده‌گر دقیقی هم هست (اعراف: ۱۸۵). (همان، ۹۰)

۲-۱. پرسشگری

یکی از اهداف آموزشی در راستای تفکر نقادانه، پرورش روحیه پرسشگری است. (اخوان‌ملایری و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۲۳) تقریباً در ۱۳۸ آیه از قرآن به پرسشگری اشاره شده است. این گونه پرسشگری، چندین بار در سوره مبارکه الرحمن تکرار شده است (فِیْ آیَّ آلاء رَبِّکُمْ اَنْ تَکْذِبُوْنَ). از دیگر موارد می‌توان به این آیات اشاره کرد: زمر: ۶۰، اعراف: ۱۴ و ۱۸۵، انعام: ۱۹، ۲۱، ۴۷، ۵۰، ۱۴۴، ۱۴۸ و ۱۵۷. (محمدی پویا و صالحی، ۱۳۹۳: ۳۴)

مهم‌ترین روشی که قرآن برای جمع‌آوری اطلاعات ارائه داده، طرح پرسش برای کشف امور مجهول است که از آنها تعبیر به پرسش‌های حقیقی شده است: ۱- پرسیدن از علت کار (قصص: ۲۳)، ۲- انتقاد کردن (اعراف: ۱۲)، ۳- پرسش از چه کسی (طه: ۴۹)، ۴- پرسش از چگونگی (طه: ۵۱)، ۵- پرسش از عاقبت (بقره: ۳۰). (کاظمی، ۱۳۹۳: ۳۴) در قرآن انواع پرسش با گزاره‌های آیا، چه، چگونه و چرا مطرح شده است. با طرح پرسش‌های چالش‌برانگیز، مهارت‌های عمیق دیدن، عمیق شنیدن و توجه به موضوعات پیرامونی که



اغلب ساده از کنار آنها می‌گذریم، تقویت می‌شود. پرسشگری در قرآن را می‌توان در طرح پرسش با گزاره‌های مختلف و طرح پرسش‌های چالش‌برانگیز جمع‌بندی نمود. (بقره: ۱۳، ۲۸، ۳۳، ۴۴). (صحرائی پاریزی و برهمن، ۱۳۹۹: ۷۲)

با توجه به رویکردهای نوین تربیتی، نیاز است با بهره‌گیری از داستان‌ها، قوه تفکر نقادانه، مفهوم‌سازی و استدلال (کودکان) را از طریق ایجاد حس پرسشگری تقویت و بارور کرد. مانند داستان‌های حضرت زکریا، حضرت یحیی، حضرت مریم و حضرت عیسی علیهم‌السلام در سوره مریم. (مهاجری و دیگران، ۱۳۹۲: ۳۱، ۴۸، ۴۹ و ۵۱) قرآن کریم در بیش از ۳۰۰ آیه، به‌طور مستقیم انسان‌ها را به خردورزی و تعقل تشویق می‌کند. روش قصه‌پردازی قرآن به‌گونه‌ای است که سبب تحریک کنجکاو و پرسشگری می‌شود. نتیجه آنکه پژوهش‌های گوناگون به‌نوعی اثربخشی قصه و قصه‌گویی را در افزایش مهارت‌های پرسشگری در دانش آموزان نشان داده‌اند. (شاه‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۴، ۳۵، ۴۲ و ۴۳)

۳-۱. استدلال

یکی از اهداف آموزشی در راستای تفکر نقادانه، بررسی و جست‌وجوی شواهد، ترسیم نتایج، سنجش قوت یا ضعف استدلال‌هاست. (اخوان ملایری و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۲۳) تفکر نقادانه، فرآیندی شناختی است که فرد با بررسی دلایل به تصمیم‌گیری می‌پردازد (بقره: ۴۴، ۱۱۱ و ۱۲۴). (صحرائی پاریزی و برهمن، ۱۳۹۹: ۷۷) تقریباً در ۳۰ آیه از قرآن کریم به‌طور مستقیم به استدلال اشاره شده است (فرقان: ۴۵؛ آل‌عمران: ۸۶؛ صف: ۱۰). (محمدی پویا و صالحی، ۱۳۹۳: ۳۶) قرآن مطالب خود را با دلیل بیان کرده و از مخالفان نیز تقاضای دلیل می‌کند. از آثار و نتایج ارزشمند قصه‌های قرآنی می‌توان به استفاده از استدلال محکم برای تفکر اشاره نمود. (Salehi, 2016)

قابل توجه اینکه ریشه‌های لغوی «فقه» (۲۰ بار در قرآن آمده)، «نبط» (یک بار در قرآن آمده)، «حجج» (۳۳ بار در قرآن استعمال شده) و «نظر» (۱۲۹ بار در قرآن استعمال شده) در واقع با مؤلفه استنتاج و استنباط تفکر نقادانه در ارتباط هستند. (توکلی، ۱۳۹۷: ۴۶-۴۸)

۴-۱. تعمق و اندیشه‌ورزی

قرآن کریم در بیش از ۳۰۰ آیه، به‌طور مستقیم انسان‌ها را به خردورزی و تعقل، ترغیب و تشویق می‌کند. (شاه‌آبادی و دیگران، ۱۳۹۵: ۳۴) افراد نایستی نگاه سطحی و گذرا به پیرامون خود داشته باشند. نگاه اندیشمندانه، عمیق و متفکرانه، ثمربخش و کارگشا

می‌باشد (اعراف: ۱۷۶). (جوادی، ۱۳۹۰: ۹۰) فرد متفکر، فکرش دارای جهت است و هدف دارد. (مدثر: ۱۸). (همان، ۸۹) علامه مجلسی اشاره می‌کند که عقل، عبارت است از قوه ادراک خیر و شر و سبب تمیز میان این دو (مجلسی، ۱۳۷۲، ۴۳/۱) و علامه طباطبایی نیز در مجموع، تکرار مشتقات فعلی عقل را در قرآن، ۴۹ مرتبه عنوان می‌کند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵۵/۱)

همچنین حقیقت‌جویی از زیرشاخه‌های تعمق و اندیشه‌ورزی است. گرایش فطری به حقیقت‌جویی، سبب ایجاد روح استدلال و برهان‌گرایی در انسان می‌شود. (همایون فرد و سجادی، ۱۳۹۵: ۶۲) در هفده آیه از قرآن کریم به‌طور مستقیم به مؤلفه حقیقت‌جویی اشاره شده است غافر: ۵۸، مائده: ۱۰۰). (محمدی‌پویا و صالحی، ۱۳۹۳: ۳۹) حقیقت‌جویی از ویژگی‌های تفکر نقادانه می‌باشد و در تفکر نقادانه هدف، رسیدن به ذات و حقیقت چیزهاست (بقره: ۱۴۷ و ۲۱۳). (صحرائی پاریزی و برهمن، ۱۳۹۹: ۸۰-۸۲)

۱-۵. خودسنجی و خوداصلاحی

یکی از اهداف هفت‌گانه بسته آموزشی تفکر نقادانه بر اساس داستان‌ها و تمثیل‌های قرآن، خودسنجی و خوداصلاحی است (اخوان ملایری و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۲۳) که از مصداق‌های مربوط به خودسنجی و خوداصلاحی، می‌توان به آیات ۲۵-۴۹ سوره هود و آیات ۵-۱۶ سوره شعراء اشاره نمود.

۲. مؤلفه سنجشگری

۱-۲. ملاک واضح کردن و شفاف‌سازی همه‌جانبه موضوع

قرآن در راستای واضح کردن و شفاف‌سازی همه‌جانبه موضوع، به شش مورد و مصداق‌های مربوط اشاره می‌کند: ۱- ابهام زدایی: الف) استفاده از بینه (هود: ۲۸ و ۸۸)، ب) بیان تأویل و فلسفه سخنان و اعمال (کهف: ۷۸) و داستان خضر و موسی علیه السلام و آگاه شدن موسی توسط خضر از حقیقت آنچه برای موسی ابهام‌آفرین بود. ۲- توضیح سخنان مجمل: ابتدا بیان شدن اجمال و کلیات سخن، سپس ارائه شدن توضیحات سخن (هود: ۸۴ و ۸۵). ۳- از بین بردن تردیدها (مریم: ۳۰). ۴- بیان نیت از سوی انتقادکننده (نوح: ۱، مریم: ۴۳). ۵- اظهار برائت از بی‌توجهان به انتقاد (هود: ۵۴). ۶- بیان ابعاد مختلف یک مسأله: تأکید قرآن به توجه افراد به سطوح بالاتر یک مطلب و ابعاد مختلف یک مسأله (شعراء: ۱۶۶). (کاظمی، ۱۳۹۳: ۳۸-۴۴) در ضمن یکی از اهداف هفت‌گانه بسته آموزشی



تفکر نقادانه بر اساس داستان‌ها و تمثیل‌های قرآن، پرورش مهارت رمزگشایی مفاهیم و شفاف‌سازی معانی است. (اخوان ملایری و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۲۳)

۲-۲. ملاک قضاوت و ارزیابی با معیار روشن

قضاوت صحیح یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تفکر نقادانه است (زمر: ۱۷-۱۸). (همایون‌فرد و سجادی، ۱۳۹۵: ۶۸) تفکر انتقادی یعنی پرهیز از تعجیل در قضاوت و داشتن معیار مشخص برای قضاوت که از نمونه آیات ذکر شده این مؤلفه استنباط می‌شود (بقره: ۳۰، ۱۹۴). (صحرائی پاریزی و برهمن، ۱۳۹۹: ۷۳-۷۵) تقریباً در پانزده آیه از قرآن کریم به‌طور مستقیم به این مؤلفه اشاره شده است. (یونس: ۳۶، بقره: ۳۰، ۲۸۶). (محمدی‌پویا، ۱۳۹۳: ۳۵) قابل توجه اینکه ریشه‌های لغوی «حکم» (مأئده: ۴۸) و «قضی» (نجم: ۹) نیز تناسب معنایی نزدیکی با مؤلفه ارزیابی، قضاوت و سنجش تفکر نقادانه دارند. (توکلی، ۱۳۹۷: ۴۹) همچنین از تدبیر نیز به‌عنوان معادلی برای داوری ایده‌ها یاد گردیده است. (Norfadalah and Tijani, 2015)

در ضمن یکی از مسائل مهم در این راستا، انجام دو فرآیند اعتبارسنجی اطلاعات اولیه و ارزیابی اطلاعات به‌دست آمده می‌باشد که در خصوص اعتبارسنجی اطلاعات اولیه، ذکر این نکته قابل تأمل است که سنجش اطلاعات اولیه در هر حوزه‌ای از علم و دانش، برای اعتبارسنجی آنها بسیار مهم است که قرآن به دو راه اشاره می‌کند: ۱- توجه به واکنش‌ها (نمل: ۲۸)، ۲- آزمایش و امتحان افراد (نمل: ۳۵). (کاظمی، ۱۳۹۳: ۳۶) در خصوص ارزیابی اطلاعات به‌دست آمده، قرآن به پنج مورد و مصادیق مربوط اشاره کرده است: ۱- تحدی و به مبارزه طلبیدن منکران و مخالفان (هود: ۵۵، طه: ۵۸، طور: ۳۴). ۲- به نمایش کشیدن ادعا (انبیاء: ۶۳-۶۴). ۳- طرح پرسش برای بیان اعتبار دلایل و صحت انتقاد (پرسش‌های مجازی به‌عنوان یک تلنگر در ذهن شنونده مطرح می‌شوند که شامل پنج بخش است: الف) پرسش‌های هدایتی (شعراء: ۷۲ و ۷۳)، ب) طرح پرسش با هدف یادآوری یک مطلب (کهف: ۷۵)، ج) طرح پرسش‌های چندوجهی (گاهی احتمالات، آفات و یا فواید یک مسأله در قالب پرسش مطرح می‌شود) (ص: ۷۵)، د) طرح پرسش با رویکرد مقایسه اضداد (یوسف: ۳۹)، ه) پرسش‌های اعتراضی (مریم: ۴۲) - ۴- ارزش‌گذاری و نقد تدریجی (انعام: ۷۶ و ۷۷). ۵- مشاهده آثار عمل (قصص: ۱۶). (همان، ۴۵-۵۱)

۲-۳. ملاک تجزیه و تحلیل

علاوه بر اینکه در کل قرآن مباحث به‌طور عمیق تحلیل می‌شود، چهارده‌بار به‌طور مستقیم در قرآن کریم به آن اشاره شده است (فرقان: ۳۳). (محمدی پویا و صالحی، ۱۳۹۳: ۳۶) همچنین یکی از اهداف هفت‌گانه بسته آموزشی تفکر نقادانه بر اساس داستان‌ها و تمثیل‌های قرآن، پرورش توان آزمون‌اندیشه‌ها و تحلیل استدلال‌هاست. (اخوان ملایری و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۲۳) طبق آیات قرآن و تفاسیر قرآنی، به چند کلیدواژه از تحلیل می‌رسیم که از آن جمله، تحلیل صادقانه و تحلیل انتقادی است. تحلیل صادقانه یعنی لجوج و معاند نبودن در تحلیل و تفکر و با صداقت برخورد کردن (اعراف: ۱۸۴-۱۸۵، انعام: ۵۰، جاثیه: ۱۳). (جوادی، ۱۳۹۰: ۸۹) همچنین از تفقه نیز به‌عنوان معادلی برای تجزیه و تحلیل یاد گردیده است. (Norfadalah and Tijani, 2015)

۳. مؤلفه شخصیتی

۳-۱. ملاک بیرونی

شامل شش مورد زیر می‌باشد:

۳-۱-۱. انتقادپذیری و تحمل عقاید دیگران (انعطاف ذهنی)

ذهن منعطف در برخورد با آراء متفاوت و مخالف متعصبانه برخورد نمی‌کند و آنها را هم مورد بررسی قرار می‌دهد (اعراف: ۱۸۴، سبأ: ۴۶). (جوادی، ۱۳۹۰: ۸۹) همچنین یکی از اهداف آموزشی در راستای تفکر نقادانه، تقویت روحیه انتقادپذیری است. (اخوان ملایری و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۲۳)

۳-۱-۲. انضباط و روش‌مندی

قرآن کریم تقریباً در ده آیه به‌طور مستقیم به این مهارت اشاره می‌کند (کهف: ۱۷، ق: ۱۰). (محمدی پویا و صالحی، ۱۳۹۳: ۳۸)

۳-۱-۳. انعطاف‌پذیری (روحیه رفق و مدارا)

قرآن کریم در یازده آیه به آن اشاره کرده است (بقره: ۱۸۷، ۱۹۶، ۲۲۲). (همان، ۳۹) در ضمن در آیه ۱۳۴ سوره آل عمران نیز اشاره گردیده است. (همایون‌فرد و سجادی، ۱۳۹۵: ۶۵)



۳-۱-۴. سعه صدر و صبر

یکی دیگر از شاخص‌های تربیت دینی، صبر و استقامت و پایداری است که توجه به این شاخص، هم از سوی مربی و هم متربی ضروری است. در قصه‌های قرآن به مواردی از صبر و سعه صدر اشاره شده است. (همان، ۷۳) عقل و اندیشه آدمی برای تدبیر عمیق و نقادانه در کارهای مختلف، به حکمت‌های تازه، روش‌های نوین و صبر نیاز دارد (شمس: ۹-۱۰). (مقتدایی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۴۶) در ضمن در آیه ۳۵ سوره احقاف نیز به این موضوع اشاره شده است. (محمدی پویا و صالحی، ۱۳۹۳: ۳۷)

۳-۱-۵. کوشش و پشتکار

یکی از اجزای عاطفی تفکر نقادانه، کوشش و پشتکار است. (شمس: ۹-۱۰). (همایون‌فرد و سجادی، ۱۳۹۵: ۷۲)

۳-۱-۶. موقعیت‌سنجی (زمر: ۱۷-۱۸). (مقتدایی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۵۰)

۳-۲-۲. ملاک درونی

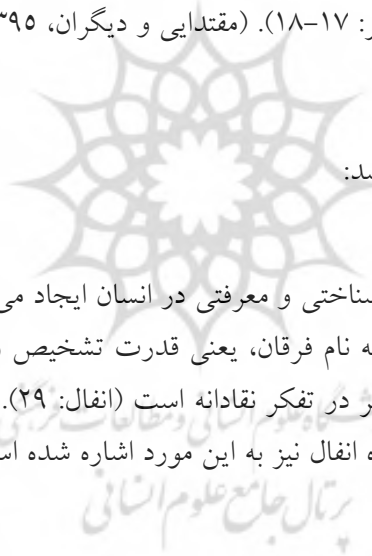
شامل ۳ مورد زیر می‌باشد:

۳-۲-۱. تقوای حضور

تقوا به‌نوعی توانمندی شناختی و معرفتی در انسان ایجاد می‌کند که از روشنی درون به‌دست می‌آید و در قرآن به نام فرقان، یعنی قدرت تشخیص و تمیز میان حق و باطل آمده است که از عوامل مؤثر در تفکر نقادانه است (انفال: ۲۹). (همایون‌فرد و سجادی، ۱۳۹۵: ۷۱) در آیه ۲۹ سوره انفال نیز به این مورد اشاره شده است. (مقتدایی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۴۸)

۳-۲-۲. روشن‌اندیشی و بصیرت

عینیت‌گرایی در تفکر از جمله مؤلفه‌هایی است که ۳۸ بار در قرآن کریم به آن اشاره مستقیم شده است (مائده: ۴۵ و ۶۰). (محمدی پویا و صالحی، ۱۳۹۳: ۳۸-۳۹) در ضمن در آیات ۳ و ۴ سوره ملک، به گستردگی فکر (ذهن باز) با کلیدواژه‌های دقت و نگاه تیزبینانه، بصیرت و روشن‌اندیشی اشاره شده است. (مقتدایی و دیگران، ۱۳۹۵: ۳۸؛ همایون‌فرد و سجادی، ۱۳۹۵: ۶۳)



۳-۲-۳. استقلال فکری (خودگردانی ذهنی)

فرد اهل تفکر، در تفکر کردن مستقل عمل می‌کند و محو شخصیت‌ها و حتی اندیشمندان مطرح نمی‌شود (بقره: ۱۷۰). (جوادی، ۱۳۹۰: ۸۹) در ضمن تفکر انتقادی، نوعی آزاداندیشی و اندیشه استقلالی است. (همایون فرد و سجادی، ۱۳۹۵: ۶۶)

۴. مؤلفه اخلاقی و تربیتی

۴-۱. ملاک رعایت ارزش‌های اخلاقی در بحث و گفت‌وگو

متفکر به رعایت اخلاق در بحث و گفت‌وگو و دیگر حیطه‌ها پایبند است. مؤمن عیب‌جویی نمی‌کند و هرگز در حرف و عمل، موجبات تحقیر دیگران را فراهم نمی‌آورد (حجرات: ۱۱). (جوادی، ۱۳۹۰: ۹۰) در پنج آیه از قرآن کریم به‌طور مستقیم به این ملاک اشاره شده است (مائده: ۱۰۶). (محمدی پویا و صالحی، ۱۳۹۳: ۳۷) در تعدادی از آیات قرآن به موضوع بی‌طرفی پیش از بررسی شواهد و خودداری از رفتار جانبدارانه و نیز پرهیز از تعصب و اغراض شخصی اشاره شده است (بقره، ۱۷۰). (صحرائی پاریزی و برهن، ۱۳۹۹: ۷۵؛ همایون فرد و سجادی، ۱۳۹۵: ۶۴؛ مقتدایی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۵۳)

۴-۲. ملاک تقوا

شامل موارد زیر است:

۴-۲-۱. حسن ظن

متفکر قرآنی از حدس و گمان بد درباره رفتار دیگران پرهیز می‌کند (حجرات: ۱۲، نحل: ۱۲۶). (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵: ۱۸۲/۲۲؛ جوادی، ۱۳۹۰: ۹۰)

۴-۲-۲. مسؤلیت‌پذیری

یکی از اهداف آموزشی در راستای تفکر نقادانه، مسؤلیت‌پذیری است. (اخوان‌ملایری و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۲۳)

۴-۲-۳. انصاف ذهنی

متفکر دارای ذهنی منصف است و اندیشه‌های مختلف را از روی عدل و انصاف بررسی می‌کند (اعراف: ۱۸۴). (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵۸۶/۱۶؛ جوادی، ۱۳۹۰: ۸۹)



۴-۲-۴. عدالت ورزی

متفکر قرآنی، قضواتی بر اساس عدل و انصاف دارد (بقره: ۱۷۸، ۱۹۰ و ۲۸۲، نحل: ۱۲۶) (قرآنی، ۱۳۸۳: ۴۷۶/۶؛ جوادی، ۱۳۹۰: ۹۰؛ صحرائی‌پاریزی و برهمن، ۱۳۹۹: ۷۹، ۸۰ و ۸۲) لازمه تقوا، انصاف و عدالت‌پذیری است (مائده: ۸). (همایون فرد و سجادی، ۱۳۹۵: ۷۰)

۵. مؤلفه فنی و تخصصی

همان‌طور که اشاره شد، مؤلفه فنی و تخصصی شامل چهار ملاک اصلی فنون داستان‌پردازی، سبک‌شناختی و خصیصه‌های زبانی، روایت‌گری و تصویرسازی است و همین بخش است که در واقع بیشتر به فنون قصه‌گویی قرآنی پرداخته است.

۵-۱. فنون داستان‌پردازی

شامل کیفیت شروع قصه، چگونگی نقل حوادث، اقتصاد هنری، عناصر نمایشی است.

۵-۱-۱. کیفیت شروع قصه

شامل این موارد است: پرسش تأکیدی یا روش استفهام تقریری (طه: ۹، ص: ۲۱)، با مقدمه؛ همچون مبارزات موسی با فرعون (قصص: ۴)، چکیده نویسی (اعراف: ۱۱-۲۵) که در آیه ۱۰ سوره اعراف، به قصه آفرینش و اسکان بنی‌آدم در زمین اشاره دارد و طی ۱۵ آیه مفصل به آن پرداخته است. گاه نیز فشرده‌ای از داستان بعد از تفصیل آورده می‌شود. مثل داستان قوم عاد و جدالشان با حضرت هود علیه السلام (هود: ۵۰-۵۸)، شروع بدون مقدمه؛ مانند داستان یونس علیه السلام (صافات: ۱۳۹-۱۴۸)، آغاز با پایان (قصص: ۳-۶)؛ قصه موسی علیه السلام که ابتدا پایان قصه در آیات ۳ تا ۶ (طغیان فرعون در زمین) بیان شده و پس از شرح کوتاهی از پایان ماجرا، قصه به عقب برگشته و در ادامه، گام به گام به بیان تولد موسی و مراحل رشد او می‌پردازد. (فعال، ۱۳۷۶: ۷۵؛ خادمی و مهرولی، ۱۳۹۴: ۶۰-۶۳)

۵-۱-۲. چگونگی نقل حوادث

رعایت تسلسل زمانی (قصص)، شکسته شدن وحدت زمانی، رعایت خط سیر تاریخی، درهم شکستن خط سیر تاریخی (طه: ۹-۹۹). (فعال، ۱۳۷۶: ۴۵-۴۸)

۵-۱-۳. اقتصاد هنری

حذف جزئیات غیرمهم و بی‌ربط در قصه (یوسف: ۵۰-۵۲)، برجستگی فرازهای داستان به تناسب جو و فضا (طه: ۱۷-۲۳) (همان، ۴۵-۴۸)

۵-۱-۴. عناصر نمایش

که شامل این موارد است: زنده شمردن چهره‌های داستان (بقره: ۴۹)، داستان در داستان (بقره: ۷۲)، گفت‌وگوهای میان‌قصه‌ای (جملات معترضه در میان داستان) (اعراف: ۱۵ و ۱۵۲)، استفاده از شیوه محاوره و اصطلاحات در داستاهای قرآن (یوسف: ۲۵)، روش ویژه در پرداختن به قصه‌های عاشقانه (پرده‌پوشی و عقیف‌گویی) (یوسف: ۲۳-۲۵، ۳۰-۳۱، ۳۳-۳۴)، نمادگرایی، زیبایی کلام، اعجاز واژگان، شخصیت‌پردازی، تعلیق و گره‌افکنی، ایهام (شجاع پوریان، ۱۳۹۲: ۱۱۹-۱۳۲؛ فعال، ۱۳۷۶: ۵۰-۵۲)

۵-۲. ملاک سبک‌شناختی و خصیصه‌های زبانی

شامل التفات در گفت‌وگو، شیوه پرسش و پاسخ، توصیف (اخبار)، سجع و آهنگ آیات، شوخ‌طبعی و طنز و ابهام و ایهام است.

۵-۲-۱. التفات در گفت‌وگو

این مورد از شاخص‌های کلامی است که اسلوب ویژه قرآنی است و در قصه‌ها هم به کار رفته و به‌نوعی، نمودار تغییر زاویه دید است که به شش حالت خود را نشان می‌دهد. از نمونه‌های آن می‌توان به داستان موسی عَلَيْهِ السَّلَام و جوان همراهش در سوره کهف اشاره نمود (کهف: ۶۰، ۶۲، ۶۶ و ۷۱). (خادمی و مهرولی، ۱۳۹۴: ۶۶؛ حری، ۱۳۸۷: ۱۱۱)

۵-۲-۲. شیوه پرسش و پاسخ

شامل طرح پرسش‌های مکرر (واقعه: ۶۳-۶۴) و پرسش‌های تأکیدی (طه: ۹، ص: ۲۱، ذاریات: ۲۴، فجر: ۶، فیل: ۱-۲) می‌باشد. (فعال، ۱۳۷۶: ۶۰؛ خادمی و مهرولی، ۱۳۹۴: ۶۹)

۵-۲-۳. توصیف

شامل انداز و تخویف است که قرآن از طریق پرداختن به حوادث سهمناک و بلاهای آسمانی، به انداز و تخویف می‌پردازد؛ همچون داستان حضرت صالح عَلَيْهِ السَّلَام در سوره شمس و جریان اصحاب فیل. (پروینی، دیباجی، ۱۳۸۷: ۱۴)



۴-۲-۵. سجع و آهنگ آیات

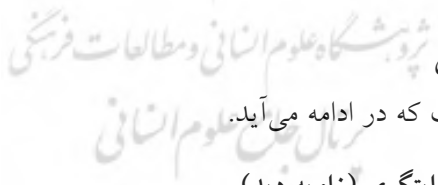
این ویژگی در تمام آیات قرآن و سوره‌ها مشهود است. بررسی سجع در قرآن از منظر زیبایی‌شناسانه نشان می‌دهد این گونه سجع برخلاف نثر مسجع ساخته بشر، تابع واژگان نبوده و تنها برای اهداف زیباشناختی به کار نرفته، بلکه به‌عنوان ابزاری برای انتقال پیام به مخاطب به شکل‌های تضاد، ارتباط معنایی کلمات مسجع، حذف، تغییر کلمات و ... جلوه نموده است و استعمال فاصله نشان از تمایز آن از کلام مسجع بشری دارد. (مشایخی، ۱۳۹۱: ۱۲۵، ۱۲۷-۱۳۰؛ بنت الشاطی، ۱۳۷۶: ۲۷۰-۲۹۶)

۵-۲-۵. شوخ‌طبعی و طنز

این روش تأثیر بسزایی در ایجاد تفکر در شنونده و فراگیر و کیفیت آموزش و جلب توجه فراگیران و تدریس اثربخش دارد که در چهار قالب طنز از طریق تهکم، تمثیل، تشبیه به حیوانات و کنایه تعریضیه تقسیم می‌شود. از نمونه‌های آن می‌توان به آیه ۲۱ آل عمران و آیه ۱۳۸ سوره نساء اشاره نمود (مروتی، ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱۸۹-۲۰۱)

۶-۲-۵. ابهام و ایهام

از شیوه‌های متداول و پرکاربرد در قرآن برای بیان معانی گوناگون، روش ایهام معنایی است. در این روش، کلمه یا بخشی از یک عبارت، خود دربر گیرنده معانی مختلف است؛ به‌گونه‌ای که با هر معنا با بخشی دیگر از کلام، رابطه معنایی خاصی را برقرار می‌سازد. (حسن‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۳۵-۱۴۴)



۳-۵. ملاک روایتگری

شامل مواردی است که در ادامه می‌آید.

۱-۳-۵. فرم و شیوه روایتگری (زاویه دید)

شیوه نقل داستان را زاویه دید یا کانونی شدگی گویند. (حری، ۱۳۸۷: ۱۱۰-۱۱۳)

۲-۳-۵. عنصر زمان

روایت پسینی، روایت پیشینی، روایت هم‌زمان، روایت میان‌افزود (شگرد داستان در داستان)، تداوم، بسامد (شعراء: ۱۶-۲۷). (همان، ۹۵-۱۱۰)

۵-۳-۳. عنصر مکان

مکان سطح متن: دو نوع می‌باشد: الف) واقعی یا تاریخی؛ همچون بیت المقدس و مصر، شهر مکه و کوه طور در سوره بلد. ب) ناواقعی یا غیبی؛ مانند باغ‌ها و بوستان‌های اخروی توصیف شده در سوره‌های مختلف. (همان، ۱۰۱-۱۰۴)

۵-۳-۴. شخصیت و شخصیت‌پردازی

شخصیت‌های مثبت، منفی، بینابین، ایستا، پویا. راه دیگر دیالوگ است؛ دیالوگ درونی، بیرونی، نمایشی. تقسیم‌بندی دیگر برای عنصر شخصیت وجود دارد: توصیف مستقیم و توصیف غیرمستقیم (مریم: ۱۶ و ۳۴، یوسف: ۳۵-۴۰، انبیاء: ۹۱) (پوررضائیان و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۷-۳۰)

۵-۳-۵. بازنمایی گفتار و اندیشه (درون‌مایه)

شگرد انتقال سخنان و افکار شخصیت از زبان راوی، بازنمایی گفتار و افکار نام دارد (رعد: ۱-۱۳۰، حجر: ۱-۲۷). (حرّی، ۱۳۸۷: ۱۱۳-۱۱۵)

۵-۳-۶. استفاده از عنصر طرح یا پیرنگ

دعا و نفرین که از زبان شخصیت‌های داستان نقل می‌شود؛ همچون داستان حضرت نوح علیه السلام (نوح: ۲۶)، داستان حضرت موسی علیه السلام (قصص: ۲۱ و ۲۵). (پروینی، دیباجی، ۱۳۷۸: ۸)

۵-۳-۷. صحنه‌پردازی

استفاده از عنصر گفت‌وگو، زمان و مکان که در قسمت‌های دیگر توضیح داده شد.

۵-۳-۸. تعلیق

یعنی به انتظار نگه‌داشتن مخاطب برای کشف یا درک دلایل به‌وجود آمدن یک حادثه که می‌توان به آیه ۳۰ سوره بقره اشاره نمود، و تکرار این آیه در سوره‌های دیگر قرآن که مربوط به آفرینش آدم علیه السلام است و با نوعی از تعلیق مواجه هستیم. (پوررضائیان و دیگران، ۱۳۹۰: ۳۰-۳۳)

۹-۳-۵. گفت و گو محوری

گفت و گو با دیگران، گفت و گو با خود یا مونولوگ (حدیث نفس)، تک‌گویی، التفات در گفت و گو، استفاده از زمان حال در گفت و گو، شیوه غیرخطی، پرسش و پاسخ، تشویق به تفکر و استدلال. (خادمی، مهر ولی، ۱۳۹۴: ۶۵-۶۹)

۱۰-۳-۵. گره افکنی و گره گشایی

کشمکش از مهم‌ترین و اساسی‌ترین عناصر داستان است که بدون آن، داستان پویا و زنده نیست و در تشویق مخاطب برای تعقیب و پیگیری حوادث نقش بسیار مهمی دارد. (پروینی، دیباجی، ۱۳۷۸: ۱۱-۱۳؛ شجاع‌پوریان، ۱۳۹۲: ۱۲۵)

۴-۵. ملاک تصویرسازی و تصویرگری

شامل تشبیه، استعاره، مجاز، ایجاز، نمادگرایی، تمثیل و ضرب‌المثل می‌باشد.

۱-۴-۵. تشبیه

از دیگر مؤلفه‌های قرآنی بسط و تحریک تفکر، تشبیه است و به کمک آن، روح، حیات و نشاط به کالبد الفاظ دمیده می‌شود و معانی ذهنی و مسائل عقلی و نامحسوس را با مثال‌های گوناگون برای مخاطبان، محسوس و قابل فهم کرده و در قالب تصاویری بدیع به نمایش می‌گذارد. (نصیری، ۱۳۹۲: ۴۰) معمولاً تشبیه به‌عنوان محرک، و تشبیه به همراه وجه تشبیه به‌عنوان بسط تفکر به‌کار می‌رود. (کشانی و رستمی نسب، ۱۳۹۵: ۲۵) از انواع تشبیه می‌توان به تشبیه تمثیل (اعراف: ۷۶) و تشبیه ضمنی (اعراف: ۴۰) اشاره کرد. نمونه‌های دیگر تشبیه اعراف: ۱۷۹: صفات گروه دوزخی را به چهارپایان تشبیه می‌کند. نازعات: ۳۳: تشبیه افراد غافل به حیوانات. فرقان: ۴۴: تشبیه مشرکان و کافران در گمراهی به چهارپایان. (پیرزادینیا و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۲۲-۱۲۸)

۲-۴-۵. استعاره

شامل تحقیقه، تحلیلیه، مکنیه است، در آیات ۱۵ و ۵۷ سوره اعراف، غضب به انسانی خشمگین و از کوره دررفته تشبیه شده که سکوت اختیار می‌کند و این امر استعاره بالکنایه است. نمونه استعاره تصریحیه نیز در اعراف: ۱۶، ۹۶، ۱۵۷ و ۲۰۰ آمده است. (همان، ۱۲۹-۱۳۳)



نقطه مقابل حقیقت است. (اعراف: ۳۱، ۴۱، ۱۵۱). (همان، ۱۲۹-۱۳۳)

۵-۴-۴. ایجاز: فشرده‌گی و حذف (سفیدخوانی و حذف عمدی رویدادها)

وجود برخی شکاف‌ها و خلأها در آیات قرآن به خواننده مجال می‌دهد تا خود این شکاف را پر کند؛ همچون ابهام و کلی‌گویی (حذف زمان، مکان، اسامی)، گفت‌وگو، ایجاز کلام، همپایگی، تکرار. (خادمی، مهرولی، ۱۳۹۴: ۶۳-۶۹؛ شجاع‌پوریان، ۱۳۹۲: ۱۲۲؛ بیرزادینیا و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۲۲)

۵-۴-۵. نمادگرایی

همچون الگو و اسوه قرار دادن رسول خدا ﷺ (احزاب: ۲۳). (حری، ۱۳۸۷: ۱۰۴)

۵-۴-۶. تمثیل

از دیگر مؤلفه‌های قرآنی بسط و تحریک تفکر، تمثیل است. تمثیل‌های قرآنی سبب برانگیختن فکر و اندیشه بشر، ایجاز، تقییح یا تلطیف، ایجاد نشاط و انبساط خاطر و ترسیم حالت روحی افراد می‌شوند. (نصیری، ۱۳۹۲: ۵۲) از جمله می‌توان به آیات ۱۷ و ۱۹ سوره بقره اشاره کرد. (صحرائی پاریزی و برهنمن، ۱۳۹۹: ۷۶) از انواع تمثیل می‌توان به تمثیل از جهت محتوا و تمثیل از جهت ساختار اشاره کرد. نوع دیگری از تمثیل، از نوع حماسی که از نوع تاریخی و دینی هستند که در قرآن نیز وجود دارد (بقره: ۱۷، ۱۹، ۲۶، ۷۴، ۲۶۱ و ۲۶۴). (رضازاده و شاهرودی، ۱۳۹۳: ۴۵-۵۵)

۵-۴-۷. ضرب‌المثل

روش قصه‌گویی و به‌ویژه قصه‌گویی قرآنی، تأثیرات ویژه‌ای بر رشد تفکر و به‌ویژه تفکر نقادانه دارد. ضرب‌المثل‌ها از گونه‌های شفاهی ادبیات عامیانه یا فولکور می‌باشند که ارتباط تنگاتنگ و نزدیکی با داستان‌ها داشته و فراوان در داستان‌ها استفاده شده و یکی از اجزای مهم و تأثیرگذار داستان‌ها شناخته می‌شوند. ابعاد زیبایی‌شناختی ضرب‌المثل‌های فارسی بسیار گسترده است و همین جنبه‌های بلاغی و ادبی آن و قدرت اقناعی نهفته در آنها، باعث شده تا محققان، ضرب‌المثل‌ها را یکی از گونه‌های ادبی به‌شمار آورند؛ همچون «لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ» (صف: ۲)؛ به عمل کار برآید، به سخن دانی نیست! «لِكُلِّ نَبِيٍّ مُّسْتَقَرٌّ» (انعام: ۶۷)؛ هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد. (عبداللهیان، ۱۳۸۳: ۵۰-۵۴)



نمودار ۱. مدل عوامل تسهیل‌گر در پرورش تفکر نقادانه در قرآن کریم مبتنی بر قصه‌های قرآنی

توضیحات مربوط به مدل

۱- در این مدل که مدل عوامل تسهیل‌گر در پرورش تفکر نقادانه در قرآن کریم مبتنی بر قصه‌های قرآنی می‌باشد، پنج مؤلفه مربوط (فنی و تخصصی، شخصیتی، آموزشی و پژوهشی، سنجش‌گری و اخلاقی و تربیتی) در مستطیل‌ها به همراه ملاک‌های مرتبط به هر مؤلفه مشاهده می‌شود که در مجموع شامل شانزده ملاک می‌گردند.

۲- مؤلفه فنی و تخصصی با عنایت به ملاک‌هایش، مرتبط با حوزه هنری مهارت‌های تفکر نقادانه؛ مؤلفه شخصیتی با عنایت به ملاک‌هایش، مرتبط با حوزه عاطفی مهارت‌های تفکر نقادانه؛ مؤلفه آموزشی و پژوهشی با عنایت به ملاک‌هایش، مرتبط با حوزه شناختی؛ مؤلفه سنجش‌گری با عنایت به ملاک‌هایش، مرتبط با حوزه قضاوتی؛ مؤلفه اخلاقی و تربیتی با عنایت به ملاک‌هایش، مرتبط با حوزه اخلاقی و فرهنگی مهارت‌های تفکر نقادانه می‌باشد.

۳- در موضوع تفکر نقادانه، دو جنبه مهارت‌های تفکر نقادانه و گرایش به تفکر نقادانه مهم هستند. بُعد مهارتی مرتبط با حوزه شناختی و بعد گرایش و انگیزه درونی مرتبط با حوزه عاطفی می‌باشد و تا زمانی که فراگیران انگیزه و آمادگی در حوزه عاطفی برای به‌کارگیری توانایی تفکر نقادانه نداشته باشند، تعالیم حوزه شناختی و در واقع، آموزش مهارت‌های تفکر نقادانه، تأثیر خود را نخواهد داشت. از این رو اهمیت حوزه عاطفی اینجا مشخص می‌گردد. به عبارت دیگر، در صورتی تفکر نقادانه اتفاق می‌افتد و به ثمر می‌رسد که متفکر نقاد به لحاظ عاطفی درگیر شود.

تفکر در قرآن به معنای فعال ساختن فهم به واسطه خوب دیدن و خوب شنیدن است که باعث نزول حقایق هستی بر انسان می‌شود. بدین ترتیب انسان به دانستنی‌های تفصیلی راه پیدا می‌کند و می‌تواند به قرب الهی دست یابد. نقش نطق، کلمه، کلام، لحن، بیان، ادبیات و قول در فعال‌سازی دیدن و شنیدن مطلوب، نقشی انکارناپذیر است و هنر کلام وحی در این زمینه معجزه‌های اعجاب‌انگیز می‌باشد. بدین ترتیب، نگاه قرآن به عنوان کتاب فهم و قرائت، دریچه‌ای برای هدایت و رشد است. (اخوت، ۱۳۹۲: ۳۰۶) به نظر می‌رسد آموزه‌های قرآنی و به‌ویژه قصه‌های قرآن و فنون قصه‌گویی قرآنی، با تأکید بر مؤلفه‌های شخصیتی از حوزه عاطفی، زمینه و بستر لازم را برای ارتقای مؤلفه‌های آموزشی و پژوهشی از حوزه شناختی فراهم می‌کند و روابط این اجزا و شبکه مضامین در الگوی قرآنی فوق مشخص و بدیهی است. همان طور که در مدل بالا مشخص است، از طریق آیات قرآن و قصه‌های قرآنی، به ملاک‌هایی همچون انتقادپذیری، انضباط و روش‌مندی، انعطاف‌پذیری، سعه صدر و صبر، کوشش و پشتکار، موقعیت‌سنجی، تقوای حضور و بقیه موارد اشاره شده رسیده‌ایم که از آن جمله می‌توان به این آیات قرآن در بحث خوب دیدن و شنیدن اشاره کرد: «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ... اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ» (علق: ۱ و ۳). و یا این آیه که در خصوص صبر و سعه صدر است: «فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ كَانَتْهُمْ يُومَ يَرُونَ مَا يوعَدُونَ



لَمْ يَلْبُثُوا إِلَّا سَاعَةً مِنْ نَهَارٍ بَلَاغٌ فَهَلْ يُهْلَكُ إِلَّا الْقَوْمُ الْفَاسِقُونَ» (احقاف: ۳۵). و نیز این آیه که در خصوص سفارش به صبر می‌باشد: «ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ» (بلد: ۱۷). و یا این آیه از قرآن که در واقع افراد مرفه و راحت طلب که از انجام کار و پذیرش مسؤلیت فرار می‌کنند، مورد انتقاد قرآن‌اند: «فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ» (بلد: ۱۱) که غیرمستقیم، بر سخت‌کوشی و پشتکار در زندگی دلالت می‌کند (اخوت، ۱۴۰۱: ۹۱ و ۱۰۳).

۴- قرآن کریم برای تقویت تفکر، با توجه به متن قرآن و موضوعاتی که طرح می‌کند و غرضی که خداوند برای آن اراده کرده، مهارتهایی را مورد توجه قرار داده است که می‌توان در قالب چهار محور کلی به آنها اشاره کرد: الف) گسترش تصویرها و مدیریت آنها برای فهم غرض سوره، ب) استخراج انواع گزاره با استفاده از شیوه‌های صحیح گزاره‌نویسی، ج) رسم نمودار سوره‌ها با تعیین مؤلفه‌ها و موضوعات اصلی سوره‌ها و ارتباط آن با سایر موضوعات سوره‌ها، د) سایر مراحل تدبیر، از جمله فهم غرضی از سوره به‌عنوان ملاک و معیار زندگی حق مدار و نکاتی که می‌تواند در برنامه‌ریزی زندگی مورد توجه قرار گیرد. (همو، ۱۳۹۲: ۲۹) اینجاست که در بخش مؤلفه فنی و تخصصی و در واقع حوزه هنری مهارت‌های تفکر انتقادی، ارزش ملاک‌های مربوط مشخص می‌گردد که در واقع همه آنها همان طور که در بند قبلی نیز اشاره شد، زمینه‌ساز تفکر نقادانه می‌باشند و به‌نوعی خداوند با استفاده از فنون قصه‌گویی، شنونده و خواننده را به بالاترین نقطه از تفکر مؤثر و ناقدانه هدایت می‌کند. به‌واقع هم آیات قرآن و به‌ویژه قصه‌های قرآنی، جنبه تقویت معنویت و اعتقادی را دارد، و هم مستقیم و غیرمستقیم، پیش‌زمینه‌ای برای ارتقای تفکر نقادانه و تقویت حوزه‌های هنری، شخصیتی، عاطفی، شناختی و قضاوتی مهارت‌های تفکر انتقادی می‌باشد که در مدل قرآنی بالا و روابط سیستمی میان اجزاء، این قضیه مشهود و به آن اشاره شده است. مانند بررسی‌های دیدنی و شنیدنی سوره مبارکه قلم و نقش داستان در تفکر و نقش استفهام در تفکر.

برای بررسی دیدنی‌ها و شنیدنی‌های سوره، بر روی مؤلفه‌هایی که در آن سوره بیان شده، تمرکز می‌شود. در واقع این مؤلفه‌ها برگرفته از واژگان سوره هستند. هرچه ما بتوانیم تصویر روشن‌تری از معنای یک واژه در ذهن داشته باشیم، به‌طور طبیعی از قدرت تحلیل بالاتری برخوردار خواهیم بود. علاوه بر این و شاید مقدم بر آن، در سوره‌های بلند بهتر است جریان سوره را مشخص کرد. بدین ترتیب برای بررسی دیدنی‌ها و شنیدنی‌های سوره، باید به بررسی جریان‌هایی که سوره به آن اشاره دارد و به بررسی عناصر و مؤلفه‌هایی که در هر جریانی بر روی آنها تأکید شده است، پرداخت. (همان، ۷۸)

در تحلیل هر داستان باید آن را به اجزای مختلف تشکیل‌دهنده آن تقسیم کرده، سپس نقش هریک را به‌طور مستقل و نیز در ارتباط با اجزای دیگر بررسی نمود. هر داستان حول محور یا محورهایی برای ما بازگو می‌شود. برای فهم داستان لازم است به فرارُخداد، شخصیت‌ها و زمینه‌های بروز آن متوجه شود. در نظر داشتن این موارد (موضوع، شخصیت‌ها، ظرف وقوع و علل و آثار) در هر داستانی و سپس تجزیه کردن هریک از این بخش‌ها به عوامل جزئی‌تر، انسان را در تحلیل داستان یاری می‌رساند. بنابراین در داستان مربوط به سوره قلم، افرادی به‌عنوان اصحاب باغ معرفی می‌شوند. اینان صاحبان باغی از میوه بودند که رفتارها و باورهای آنها در طی داستان بازگو می‌شود. محور دوم این داستان خود باغ است که محصول و منفعتی برای صاحبان آن به حساب می‌آید. محور سوم بهره‌مندی از محصول باغ است که در جریان داستان، پیرامون آن مسائلی پیش می‌آید. این داستان با این سه محور، مؤلفه‌هایی دارد که قابل بحث است. یکی از شیوه‌های تفکر استفاده از سؤال است و این طرح سؤال باعث می‌شود تا فرد با توجه به مسائل مختلف، آن مقصودی که مورد سؤال است، دریابد. (همان، ۸۸-۱۰۹)

۵- در بیشتر نظریه‌های مربوط به تفکر نقادانه، ابتدا به حوزه شناختی مهارت تفکر نقادانه پرداخته شده؛ یعنی ابتدا بر مسأله‌پردازی، تعمق و اندیشه‌ورزی، پرسشگری و استدلال تأکید گردیده است، سپس به مرحله بعدی که حوزه قضاوتی مهارت تفکر نقادانه می‌باشد، اشاره شده که بیشتر به قضاوت و ارزیابی با معیار روشن و تجزیه و تحلیل تأکید دارد. در قرآن و قصه‌های قرآن نیز همین گونه است. مانند داستان حضرت موسی علیه السلام: «فَرَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ يَا قَوْمِ أَلَمْ يَعِدْكُمْ رَبُّكُمْ وَعَدًّا حَسَنًا أَفَطَالَ عَلَيْكُمُ الْعَهْدُ أَمْ أَرَدْتُمْ أَنْ يَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبٌ مِّنْ رَبِّكُمْ فَأَخْلَفْتُم مَّوعِدِي» (طه: ۸۶).

در واقع حضرت موسی علیه السلام در مواجهه با قومش، از علت کار آنها سؤال می‌کند که ریشه آن را در عهدشکنی با خداوند نسبت می‌دهد. در واقع پرسش برای ارزیابی بهتر صورت گرفته است. پس به‌خوبی توالی پرسشگری و سپس ارزیابی و قضاوت را می‌توان دید که از این نمونه‌ها نیز در قرآن و قصه‌های قرآن کم نیستند. پس به خوبی روند ارتباط مؤلفه‌ها، ملاک‌ها و مضامین را در مدل بالا می‌توان دید که از سوی حوزه شناختی به سمت حوزه قضاوتی، پیکان مسیر خود را پیموده است. البته قابل توجه اینکه در بخش قضاوتی می‌توان به ملاک‌هایی همچون جامع‌نگری قضاوتی (پرهیز از قضاوت تک‌بعدی)، استفاده از نظام نشانگرهای مبین، ملاک‌های اصیل، معیارهای پیش‌برنده، منابع داده‌ای موثق،



ابزارهای میزان شده (روا، معتبر، هنجار شده و عملی)، خودسنجی - خودویرایشی، حقیقت‌محوری (پرهیز از سیاه‌نمایی-سفید‌نمایی، منفعت‌محوری یا شخص‌محوری)، تحلیل‌گری و درک روابط میان اجزا، تشخیص اولویت‌های تبیین‌گری، قضاوت احتمالی (پرهیز از قطعی‌گویی) و بهبودبخشی (پرهیز از ارزیابی هدفی) نیز اشاره کرد که در بعضی موارد با ملاک‌های دیگر، اشتراک محتوا و مضمون دارند و یا شبیه ملاک‌های اعلامی هستند و یا قابلیت بررسی بیشتر و احصاء مستندات و نشانگرهای قرآنی متناظر با این کلیدواژه‌ها وجود دارد که می‌تواند در تحقیقات آینده، مورد واکاوی قرار گیرند.

۶- همان‌طور که در بندهای قبلی نیز اشاره گردید، اثر آیات قرآن و به‌ویژه قصه‌های قرآن را در ارتقای معنویت، ایمان و اعتقاد خوانندگان و مستمعان متوجه شدیم. تقوا و مراقبت درونی وابسته به فعال شدن تفکر است؛ زیرا انسان با تفکر می‌تواند مشاهده قوی‌تری در عالم داشته باشد و خداوند را که غیب آسمان‌ها و زمین است، بهتر ببیند. (اخوت، ۱۴۰۱: ۷۳) هدف اصلی قرآن از نقل قصه‌ها، عبور دادن انسان از گذرگاه‌های تاریک و رساندن او به سرزمین روشنایی‌ها و هدایت است. آموزه‌های قرآنی و دینی، بیشتر بر درونی شدن و عمق بخشیدن به باورهای انسان تأکید می‌کنند. در واقع همان‌طور که در مدل قرآنی بالا مشاهده می‌کنیم، در نهایت پس از طی حوزه‌های هنری، عاطفی، شناختی و قضاوتی، به حوزه اخلاقی، فرهنگی می‌رسیم که ملاک‌های آن، رعایت ارزش‌های اخلاقی در بحث و گفت‌وگو و تقوا می‌باشد و به‌نظر می‌رسد این همان غایت هدف قرآن و آموزه‌های قرآنی و قصه‌های قرآن است که متفکر نقاد به مرحله قابلیت استدلال اخلاقی و یا تفکر نقادانه با چاشنی رعایت اخلاق برسد. تقوا نشانه‌ای برای تفکر با محوریت امام حق است و اگر با تفکر، تقوا و خشوع انسان نسبت به خدا افزایش نیابد، به‌معنای فقدان امام حق و معیار قرار دادن خود در تشخیص‌هاست. (همان، ۱۵۹)

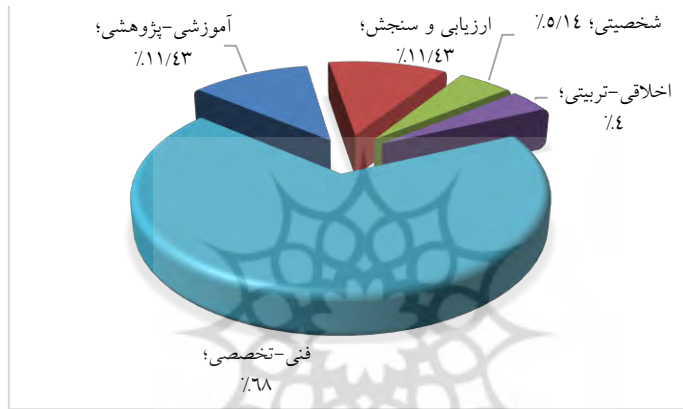
مبنای اصلی استدلال یا تفکر اخلاقی این است که رفتار انسان منجر به رفاه دیگران گردد و این در واقع همان واصل شدن به مدینه فاضله است که همه اجزای جامعه متخلق به تفکر، بینش و کنش اخلاقی، قرآنی و دینی هستند و این یعنی فرهنگ والای قرآنی و رسیدن به اوج مکارم اخلاق که مورد نظر اسلام و آموزه‌های قرآنی است. البته در عین حال این خصیصه - همان‌طور که در مدل مشاهده می‌کنید - می‌تواند عامل تأثیرگذار بر حوزه‌های شناختی و قضاوتی نیز باشد. از جمله از مصداق‌های مربوط می‌توان به این مورد اشاره کرد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ

بَعْضُكُمْ بَعْضًا أَيُّحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ» (حجرات: ۱۲). همان‌طور که مشخص است، ایمان، تعهدآور است و فرد مؤمن باید از یک‌سری افکار و اعمال دوری نماید؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا...» (ایمان، با سوءظن و تجسس و غیبت سازگار نیست)

قرآن نه تنها نفس انسان را برای تفکر آماده می‌سازد، بلکه بدون آن، فرآیند تفکر در فرد کامل نمی‌گردد. بدین ترتیب، فقدان قرآن برای نفس به منزله فقدان سرپرست برای نفس در امر تفکر است؛ زیرا تفکر، سیر نفس در مسیر کشف و مشاهده حقیقت است و فقدان قرآن به معنای فقدان جریان تام متصل به حقیقت است. باور نداشتن قرآن به عنوان متن تفکر که سرمنشأ کشف هر حقیقتی در دنیا و آخرت است، مصیبتی بزرگ برای انسان و جامعه اوست که هیچ چیزی این مصیبت را جبران نمی‌کند و خسارتی ابدی در پی خواهد داشت. با توجه به معنای تفکر و ویژگی‌های تفکری قرآن، با رجوع به قرآن، تفکر در ما فعال می‌شود. در این صورت در واقع ما با قرآن تفکر می‌کنیم، نه اینکه در قرآن تفکر می‌کنیم. به همین دلیل تفکر با قرآن باعث فعال‌شدن قوای ادراکی، تحریکی و عاطفی می‌شود. در نتیجه فرد به باورها و عمل‌های نیکو و زیبا دست می‌یابد و این منافع فردی و اجتماعی فراوانی دارد که با رجوع به قرآن و قرار گرفتن در تابش نور آن حاصل می‌شود. (همان، ۱۶۵)

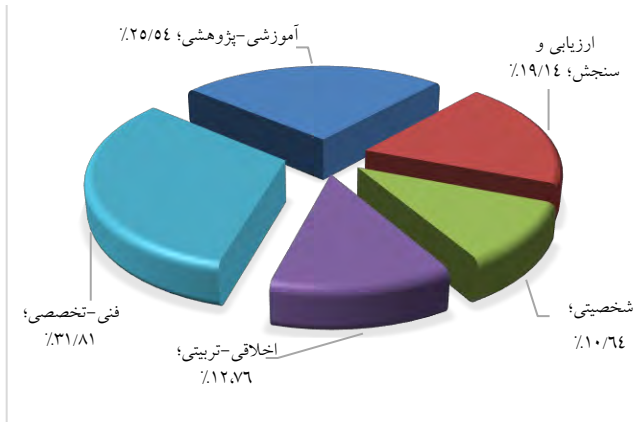
با توجه به بررسی که در اسناد و پیشینه پژوهش و نظریات مرتبط انجام گردید، مشخص شد که مؤلفه‌های تفکر نقادانه، بیشتر بر اساس نظریه‌ها و پژوهش‌های منابع و اسناد غیر قرآنی احصاء گردیده و یا اگر هم قرآنی بوده، به قصه‌های قرآن اشاره آنچنانی نشده است و در ضمن، مدل قرآنی منظم و مدونی که رابطه میان اجزاء، مؤلفه‌ها و ملاک‌ها را به خوبی تبیین کند، وجود نداشت. همچنین اجرا و اجزای این مدل از چندین لایه فردی، خانوادگی، فرهنگی-دینی و اجتماعی اثر پذیرفته و بر آن اثرگذار است. از این‌رو مرور اسناد و پژوهش‌های قبلی که در این زمینه انجام شده بود، پژوهشگران را بر آن داشت که مؤلفه‌های تسهیل‌گر در رشد تفکر انتقادی را بر اساس آیات قرآن و به‌ویژه قصه‌های قرآن و فنون مورد استفاده در آن را احصاء و در نهایت، مدل قرآنی پیش‌رو را ارائه نماید. از این جهت، چون کار پژوهشی به این نحو انجام نشده بود، این ویژگی کار این پژوهش را از بقیه موارد متمایز می‌کند.

در مجموع در میان این مؤلفه‌ها، بیشترین سهم از نظر تعداد اسناد، مربوط به مؤلفه فنی و تخصصی با ۱۳ سند از مجموع ۲۴ سند، همچنین بیشترین سهم از نظر تعداد نشانگرها، مربوط به همین مؤلفه با ۱۱۹ نشانگر است. در واقع مؤلفه فنی و تخصصی با اختصاص بیشترین تعداد نشانگر (معادل ۶۸٪ از کل نشانگرها) و بیشترین تعداد اسناد (معادل ۳۱/۸۱٪ از اسناد)، رتبه نخست را در میان مؤلفه‌ها کسب نموده است. برای توضیح بهتر، سهم هر یک از مؤلفه‌های تسهیل‌گر در رشد تفکر نقادانه فراگیران در قصه‌های قرآن و فنون مورد استفاده در آن (بر اساس تعداد نشانگرها)، در نمودار زیر (نمودار ۲) به درصد نشان داده شده است.



نمودار ۲. سهم مؤلفه‌های تسهیل‌گر در رشد تفکر نقادانه فراگیران در قصه‌های قرآن و فنون مورد استفاده در آن بر اساس تعداد نشانگرها

در ضمن سهم هر یک از مؤلفه‌های تسهیل‌گر در رشد تفکر نقادانه فراگیران در قصه‌های قرآن و فنون مورد استفاده در آن از اسناد تحلیل شده، در نمودار زیر (نمودار ۳) به درصد نشان داده شده است. قابل توجه اینکه در درصدگیری مربوط، تکرار منبع برای مؤلفه‌ها مد نظر بوده است؛ زیرا در بعضی از مؤلفه‌ها، اسناد و منابع مربوط مشترک بوده‌اند.



نمودار ۳. سهم مؤلفه‌های تسهیل‌گر در رشد تفکر نقادانه فراگیران در قصه‌های قرآن و فنون مورد استفاده در آن از اسناد تحلیل شده

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر مبتنی بر روش اسنادی سعی شده تا با مطالعه و مرور منظم پیشینه پژوهش‌های داخلی و بین‌المللی، عوامل تسهیل‌گر در رشد تفکر نقادانه فراگیران در قصه‌های قرآن و فنون مورد استفاده در آن شناسایی و تبیین گردد. نتیجه بررسی مطالعات موجود حاکی از آن است که تمرکز اسناد داخلی بیشتر بر شناسایی عوامل تسهیل‌گر در قرآن کریم است و به قصه‌های قرآن و فنون قصه‌گویی و موارد مرتبط کمتر پرداخته شده است. هرچند در اسناد بین‌المللی فقط بر قصه‌گویی و تأثیر قصه بر پرورش تفکر نقادانه اشاره شده و مؤلفه‌های تفکر نقادانه را از راه قصه‌گویی مورد بررسی قرار داده‌اند و اصلاً مطالعه و سندی در زمینه احصاء مؤلفه‌های تفکر نقادانه از طریق قصه‌های قرآن یا فنون قصه‌گویی یافت نشد و اگر هم موجود باشد، در حد یک یا دو مورد موجود است. همچنین با مطالعه و بررسی پژوهش‌ها، ما به چند مسأله برمی‌خوریم:

- ۱- گروه هدف در بیشتر اسناد داخلی، دانش‌آموزان هستند و تنها منابع محدودی به کودکان سنین پیش از دبستان و دبستان یا مقاطع دانشگاهی و محیط‌های آکادمیک توجه داشته‌اند که نیاز است به این مورد توجه شود.
- ۲- منظور از پژوهش در بیشتر اسناد داخلی، همان روش علمی پژوهش بزرگسالان است که با روحیه کودکان دبستان و پیش از دبستان سازگاری چندانی ندارد. بدین منظور،



تجویز فرآیند پرورش تفکر نقادانه در دوره کودکی که دوران شکل‌گیری شخصیت و فکر هر انسانی است، ضرورت می‌یابد.

۳- همچنین می‌توان گفت تقریباً پژوهش چشم‌گیری با بررسی دقیق عوامل تسهیل‌گر در رشد تفکر نقادانه کودکان پیش از دبستان در میان اسناد داخلی موجود، مشاهده نشد. در پایان با بهره‌گیری از مؤلفه‌های تسهیل‌گر در رشد تفکر نقادانه از طریق قرآن و به‌ویژه قصه‌های قرآن و فنون قصه‌گویی، می‌توانیم برنامه‌ریزی دقیق‌تری برای اجرای دوره‌های کوتاه‌مدت در تمامی مقاطع تحصیلی، به‌ویژه کودکان و مقاطع دانشگاهی انجام دهیم، و یا حتی با آگاهی به والدین و اساتید و مربیان، سعی در حسن استفاده از پتانسیل عوامل تسهیل‌گر تا حد امکان داشته باشیم تا هم زمینه‌ای مناسب برای رشد بیش از پیش جامعه علمی و دانشگاهی کشور فراهم نماییم، هم به‌واسطه استفاده از اثرات معنوی قرآن و قصه‌های قرآن، باعث تقویت و ارتقای فراگیران از بعد اعتقادی، بینشی و معنوی، از کوچک‌ترین واحدهای آموزشی مانند مهدکودک‌ها، پیش‌دبستانی و دبستان‌ها، تا بالاترین سطوح علمی و دانشگاهی مانند تحصیلات تکمیلی باشیم. در ضمن نتایج حاصل از این تحقیق و مدل قرآنی ارائه‌شده می‌تواند کمک بزرگی به معلمان و اساتید در شناخت نشانگرها، مؤلفه‌ها و ملاک‌های تفکر نقادانه باشد و آنها را در روند تدریس کیفی‌تر و مؤثرتر، با لحاظ رویکرد تدریس مبتنی بر ارتقای تفکر نقادانه فراگیران یاری رساند. و نیز می‌تواند راهگشای تحقیقات آینده برای محققان و پژوهشگران در زمینه ارتقای ابزاری برای ارزشیابی یادگیری یا تدریس اثربخش باشد و زمینه‌ای را برای تحقیقات کمی برای بررسی اثربخشی مسیر مشخص‌شده در مدل قرآنی بالا را فراهم نماید.

پیشنهاد‌های پژوهشی و کاربردی

۱- با توجه به فقر نسبی منابع داخلی در زمینه عوامل تسهیل‌گر در رشد تفکر نقادانه فراگیران در قصه‌های قرآن و فنون مورد استفاده در آن، پیشنهاد می‌شود پژوهشی با رویکرد کیفی برای تحلیل ادراک و تجارب‌زیسته افراد مؤثر در این زمینه انجام گردد.

۲- با توجه به کم‌توجهی منابع موجود داخلی و بین‌المللی به نقش پراهمیت خانواده و به‌ویژه والدین در رشد تفکر انتقادی فراگیران و نیز اساتید و مربیان، از این‌رو ضروری است پژوهشی به‌منظور تبیین نقش خانواده و اساتید به‌طور جداگانه در این زمینه انجام گیرد.

۳- با توجه به نگاه محدود منابع بررسی شده به مؤلفه‌های تسهیل‌گر شخصیتی و اخلاقی-تربیتی، ضروری است پژوهشی با موضوع شناسایی و تحلیل مؤلفه‌های مربوط با رویکرد کیفی انجام گیرد.

۴- با عنایت به تحقیق انجام شده، نیاز است که توجه ویژه‌ای به مؤلفه‌های آموزشی-پژوهشی و ارزیابی و سنجش توسط اساتید و مربیان صورت گیرد و تحقیقات کیفی و فراتحلیلی مؤثر و کاربردی در این زمینه انجام شود.

۵- پیشنهاد می‌شود در پژوهشی با اساتید و فراگیران، در مورد فرصت‌ها و محدودیت‌هایشان برای اکتشاف، تجارب و پژوهش‌هایشان گفت‌وگو گردد و از این طریق، تجارب زیسته آنها تبیین و تحلیل گردد.

۶- پیشنهاد می‌شود از طریق کتاب‌ها، مقالات پژوهشی و یا در کارگاه‌های آموزشی، وبینارها و سمینارهای ملی و بین‌المللی، مؤلفه‌های تسهیل‌گر در رشد تفکر انتقادی فراگیران از طریق توجه به قصه‌های قرآن و فنون مورد استفاده در آن و فنون قصه‌گویی و نیز مدل قرآنی احصاشده مربوط، تبیین و تشریح گردد.

پی‌نوشت

۱- بر اساس تقسیم‌بندی بلوم، اهداف آموزشی در سه حوزه مختلف تقسیم‌بندی می‌شوند که عبارت‌اند از: حوزه‌های شناختی، روانی- حرکتی و عاطفی. در حوزه شناختی شش سطح وجود دارد: دانش، فهمیدن، کار بستن، تحلیل، ترکیب، ارزیابی، و در فرم تغییر یافته آن، این ارزیابی و ترکیب (خلق) عوض می‌شود.

پروژه‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. اخوان ملایری، جمیله؛ سیفی، محمد؛ فقیهی، علیرضا (۱۳۹۸)، «تدوین بسته آموزشی تفکر انتقادی بر اساس داستان‌ها و تمثیل‌های قرآن کریم برای دوره کارشناسی»، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، دوره ۲۷، شماره ۴۵، ص ۱۲۳-۱۵۱.
۳. اخوت، احمدرضا (۱۳۹۲)، روش‌های تفکر در قرآن، تهران: نشر قرآن و اهل بیت نبوت علیه السلام.
۴. اخوت، احمدرضا (۱۴۰۱)، فهم قرآن در دبستان و دبیرستان، تهران: نشر قرآن و اهل بیت نبوت علیه السلام.
۵. بنت الشاطی، عائشه بنت الرحمن (۱۳۷۶)، اعجاز بیانی، ترجمه حسین صابری، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۶. پروینی، خلیل؛ دیباجی، ابراهیم (۱۳۷۸)، «تحلیل عناصر داستانی در داستانهای قرآنی»، مدرس علوم انسانی، دوره ۳، شماره ۱۳، ص ۱-۱۶.
۷. پوررضاییان، مهدی؛ آیت‌اللهی، حبیب‌الله؛ فرخی، حسین (۱۳۹۰)، «بررسی تحلیلی شخصیت‌پردازی و تعلیق در قصه‌های قرآن»، هنرهای زیبا، دوره ۱۶، شماره ۲، ص ۲۵-۳۴.
۸. پیرزادینیا، مینا؛ عبدی، مالک؛ چراغی، زیور (۱۳۹۴)، «تصویرپردازی هنری در سوره مبارکه اعراف با تکیه بر تشبیه، استعاره و مجاز»، پژوهش‌های ادبی-قرآنی، دوره ۳، شماره ۲، ص ۱۱۷-۱۳۸.
۹. توکلی، رسول (۱۳۹۷)، «کاربرد تفکر انتقادی و مؤلفه‌های آن در ادبیات قرآنی»، معرفت، دوره ۲۷، شماره ۳، ص ۴۱-۵۱.
۱۰. جوادی، سیده زهره (۱۳۹۰)، مقایسه مفهوم و مؤلفه‌های تفکر انتقادی از دیدگاه متفکران غربی با مفهوم تفکر در قرآن و دلالت‌های تربیتی این دو در حوزه تربیت دینی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شیراز.
۱۱. حری، ابوالفضل (۱۳۸۷)، «احسن اقصص: رویکرد روایت شناختی به قصص قرآن»، نقد ادبی، دوره ۱، شماره ۲، ص ۸۳-۱۲۲.
۱۲. حسن‌زاده، حمید (۱۳۸۴)، «آرایه ایهام در قرآن»، پیام جاویدان، دوره ۳، شماره ۸، ص ۱۳۵-۱۴۴.
۱۳. حقوقی، سمیرا؛ صالحی، کیوان (۱۳۹۸)، «ظرفیتهای روش پژوهش روایتی در حوزه مطالعات آموزش عالی»، نامه آموزش عالی، دوره ۱۲، شماره ۴۷، ص ۳۳-۵۱.
۱۴. خادمی، ملوک؛ مهرولی، فاطمه (۱۳۹۴)، «بررسی قصه‌گویی به‌عنوان روشی فعال در آموزش اخلاق»، تربیت اسلامی، دوره ۱۰، شماره ۲۰، ص ۵۵-۷۵.
۱۵. رضازاده، نیلوفر؛ شاهرودی، فاطمه (۱۳۹۲)، «انواع تمثیل در قصه‌های قرآن کریم»، کوثر، دوره ۱۳، شماره ۴۸، ص ۳۹-۵۸.
۱۶. سهرابی، محمدرضا (۱۳۹۲)، «اصول نگارش مقالات مروری»، پژوهنده (مجله پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)، دوره ۱۸، شماره ۲، ص ۵۲-۵۶.
۱۷. شاه‌آبادی، محمدرضا؛ احقر، قدسی؛ بهشتی، سعید (۱۳۹۵)، «تأثیر قصه‌های قرآنی بر مهارت پرسشگری دانش‌آموزان»، خانواده و پژوهش، دوره ۱۳، شماره ۳، ص ۳۳-۴۶.

۱۸. شجاع‌پوریان، ولی‌الله (۱۳۹۲) «تأملی در شاخصه‌های قصه در قرآن»، ادب عرب، دوره ۵، شماره ۲، ص ۱۱۳-۱۳۳.
۱۹. صحرائی پاریزی، فاطمه؛ برهمن، مریم (۱۳۹۹)، «ارائه مؤلفه‌های تفکر انتقادی با توجه به تربیت آیه‌ای مستخرج از سوره مبارکه بقره»، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، دوره ۲۸، شماره ۴۷، ص ۶۳-۸۵.
۲۰. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۲۱. عابدین‌نسب، شیما (۱۳۹۵)، خلاقیت و شیوه‌های پرورش تفکر خلاق از منظر آموزه‌های قرآن کریم و نهج البلاغه، رساله دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده اصول الدین، تهران، ایران.
۲۲. عبداللہیان، محمد (۱۳۸۳)، «ضرب‌المثلهای قرآنی»، بشارت، دوره ۷، شماره ۴۰، ص ۵۰-۵۴.
۲۳. فعال، محمدحسین (۱۳۷۶)، «روش قصه پردازی در قرآن»، مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، دوره ۳، شماره ۹ و ۱۰، ص ۴۰-۵۶.
۲۴. کاظمی، زهرا (۱۳۹۳)، بررسی اصول تفکر انتقادی در داستان‌های قرآن کریم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم و فنون قرآن، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، تهران، ایران.
۲۵. کشانی، مهدیه؛ رستمی‌نسب، عباسعلی (۱۳۹۵)، «الگوهای تحریک و بسط تفکر در حلقه کند و کاو قرآنی»، تفکر و کودک، دوره ۷، شماره ۲، ص ۲۵-۴۵.
۲۶. مجلسی، محمدباقر (۱۳۷۲)، بحارالانوار، تهران: اسلامیہ.
۲۷. محمدی پویا (بی‌چونند)، فرامرز؛ صالحی، اکبر (۱۳۹۳)، «تحلیل محتوای قرآن کریم بر اساس مفهوم تفکر انتقادی»، علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، دوره ۲، شماره ۳، ص ۲۵-۴۹.
۲۸. مروتی، سهراب؛ ذوالفقاری‌فر، قدرت (۱۳۹۲)، «طنز در قرآن کریم»، تحقیقات علوم و قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء، دوره ۱۰، شماره ۲۰، ص ۱۷۷-۲۰۲.
۲۹. مشایخی، حمیدرضا (۱۳۹۱)، «جلوه‌های زیبایی‌شناسی سجع در قرآن»، مطالعات ادبی متون اسلامی، دوره ۱، شماره ۲، ص ۱۲۵-۱۴۰.
۳۰. معتمدیان، سعیدرضا (۱۳۹۲)، «راهنمای نگارش مقالات مروری»، دفتر استعدادهای درخشان دانشکده دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی؛ مجله دانشکده دندانپزشکی، دوره ۲، شماره ۱.
۳۱. مقتدایی، لیلیا؛ امیری، مجید؛ نظری، حسین؛ موسوی، ستاره (۱۳۹۵)، «جایگاه و اهمیت تفکر انتقادی از دیدگاه قرآن و امام علی»، اسلام و علوم اجتماعی، دوره ۸، شماره ۱۵، ص ۱۳۳-۱۶۸.
۳۲. ملبوس‌باف، رامین؛ عزیزی، فریدون (۱۳۸۹)، «مرور سیستماتیک چیست و چگونه نگاشته می‌شود؟»، پژوهش در پزشکی (مجله پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید بهشتی)، دوره ۳۴، شماره ۳، ص ۲۰۳-۲۰۷.
۳۳. مهاجری، محمدکاظم؛ یاسینی، محمدرضا؛ شریعتی، مسعود (۱۳۹۲)، «تفکر انتقادی و نقش داستان در پرورش آن (با رویکرد تربیت دینی کودکان)»، بصیرت و تربیت اسلامی، دوره ۱۰، شماره ۲۶، ص ۳۱-۵۳.



۳۴. نصیری، روح‌الله (۱۳۹۲)، «کارکردها و ویژگی‌های صنعت بلاغی تشبیه تمثیلی در قرآن کریم»، پژوهش‌های زبانشناختی قرآن کریم، دوره ۲، شماره ۱، ص ۳۹-۵۳.

۳۵. همایون‌فرد، آنتیا؛ سجادی، سیدمهدی (۱۳۹۵)، «تبیین و تحلیل زمینه‌های سازواری و همگرایی مؤلفه‌های تفکر انتقادی با تربیت دینی»، تعلیم و تربیت، دوره ۳۲، شماره ۳، ص ۵۷-۷۸.

۳۶. یارمحمدیان، محمدحسین؛ محمدی، عفت؛ موحدی، فریده (۱۳۹۰)، «استانداردهایی برای تدوین مقالات مروری در نظام سلامت»، مدیریت اطلاعات سلامت (ویژه‌نامه مدیریت خدمات بهداشتی درمانی)، دوره ۸، شماره ۸، ص ۱۲۲۶-۱۲۳۴.

37. Behar-Horenstein, L. S.; Niu, L. (2011), "Teaching Critical Thinking Skills in Higher Education: A Review of the Literature", *Journal of College Teaching & Learning (TLC)*, (8) 2, p: 25-41.

38. Dlamini, E. T. (1999), Conceptual understanding of genetics among student teachers (Doctoral dissertation).

39. Fahim, M.; Eslamdoost, S. (2014), "Critical Thinking: Frameworks and Models for Teaching", *English Language Teaching*, Vol 7, No 7, p:141-151. (4): 784-803. DOI: 10.18488/journal.61.2020.84.784.803.

40. Norfadalah, N.; Tijani, A. (2015), *Islamic theoretical model for critical thinking in teaching and learning of Islamic education*, Global Summit on Education 2015.

41. Salehi, A. (2016), "The Role of Quranic Stories and Parables in Islamic Education and Training", *Journal of Islamic Studies and Culture*, (4)1, p: 127-133.

42. Simpson, E.; Courtney, M. (2002), "Critical Thinking in Nursing Education: Literature Review", *International Journal of Nursing Practice*, 8, p: 89-98. <http://dx.doi.org/10.1046/j.1440-172x.2002.00340.x>.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی